

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۳۸۹

(صص ۷۸-۵۵)

رضا حسین پور پویان*

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

دکتر پیروز مجتهدزاده**

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

دکتر زهرا احمدی پور***

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

بنیان‌های جغرافیایی و ژئوپولیتیکی روابط در شبه قاره هند

چکیده

بقای ملی هدف ثابت و غیرقابل تغییر هر حکومت مبتنی بر ملت است؛ این مقوله به نوبه ی خود متأثر از امنیت ملی و امنیت ملی نیز به میزان قابل توجهی تحت تأثیر کیفیت روابط و مناسبات بین کشورها در چهارچوب‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. در سال‌های اخیر، هر چند که به اعتقاد برخی از کارشناسان مسائل سیاسی از میزان نقش-آفرینی بنیان‌های جغرافیایی و ژئوپولیتیکی در ماهیت مناسبات و روابط بین کشورها کاسته شده است؛ اما بنا به استدلال‌های این پژوهش، هنوز بستر و زمینه‌های اصلی مناسبات بین کشورها در سال‌های نخست قرن بیست و یکم متأثر از عوامل جغرافیایی و ژئوپولیتیکی یا به عبارت دیگر جغرافیای محلی و بین‌المللی آن‌هاست.

از این رو، مقاله حاضر در صدد برآمده است تا کارکرد و نقش بسترهای جغرافیایی و ژئوپولیتیکی مناسبات بین واحدهای سیاسی شبه قاره ی هند را در سطح محلی (درون-

* Email: rhpouyan@modares.ac.ir

** Email: pmzadeh@modares.ac.ir

*** Email: ahmadyz@modares.ac.ir

منطقه‌ای) مورد بررسی قرار دهد. براساس نتایج این بررسی، روابط ژئوپولیتیکی بین کشورهای شبه قاره (در سطح درون منطقه‌ای) تحت تأثیر بنیان‌های جغرافیایی و ژئوپولیتیکی مناقشات موجود در منطقه بویژه روابط خصمانه حاکم بر مناسبات بین هند و پاکستان، مبتنی بر الگوی تقابل شکل گرفته است.

کلید واژه ها: عوامل جغرافیایی و ژئوپولیتیکی، منطقه ژئوپولیتیکی، روابط ژئوپولیتیکی،

شبه قاره.

مقدمه

در زمان سلطه دولت بریتانیا بر هندوستان سابق، اکثر بخش‌های آسیای جنوبی، یک منطقه ژئوپولیتیکی یکپارچه محسوب می‌شد و تنها نپال و بخشی از بوتان در خارج از مرزهای هند انگلیس قرار داشتند. اما از پایان سلطه بریتانیا و استقلال کشورهای شبه قاره ی هند، آسیای جنوبی همواره محل درگیری و مناقشه بوده است. به گونه‌ای که جنگ بر سر تجزیه میان هند و پاکستان به کشته شدن بیش از یک میلیون نفر و پناهندگی چهارده میلیون غیرنظامی - ۸/۶ میلیون نفر مسلمان و ۵/۳ میلیون نفر هندو - منجر گردید. علاوه بر این، سریلانکا (سیلان سابق) که در سال ۱۹۴۸م استقلال خود را به دست آورد، تقریباً دو دهه است که درگیر شورش جدایی طلبان تامیل ضدسیلانی‌های بودایی حاکم (و تشکیل دهنده اکثریت جمعیت) می‌باشد. در این منطقه، دولت مستقل بنگلادش نیز زمانی ایجاد گردید که بنگال شرقی که در آن زمان پاکستان شرقی نامیده می‌شد طی جنگ سال‌های ۱۹۷۱م - ۱۹۷۲م (که طی آن ۵۰۰ هزار نفر کشته شدند) از پاکستان غربی جدا شد (Cohen, 2009: 329). بدین ترتیب، در حالیکه امروزه بیش از شصت سال از اتمام دوران حاکمیت استعماری بر شبه‌قاره می‌گذرد، منطقه جنوب آسیا منعکس کننده ی مجموعه‌ای از پدیده‌های متعارض می‌باشد. با این حال، باید اذعان کرد که نهادهای سیاسی در اکثر کشورهای منطقه تثبیت شده و همه ی کشورهای منطقه برای اولین بار در تاریخ، حکومت‌های ملی دموکراتیک را بنیان گذاشته‌اند، که هر یک راه های

جداگانه‌ای را برای رسیدن به آرمان‌های شهروندان و حفظ ساختار دموکراتیک خود دنبال می‌کنند. البته، هنوز نگرانی‌های بزرگی نیز وجود دارد. در حقیقت شاید امروزه منطقه شبه قاره با یک پنجم جمعیت جهان، محرومترین منطقه در جهان است. این منطقه نیمی از جمعیت کاملاً فقیر جهان را در خود جای داده است. بلحاظ شاخص‌های توسعه‌ی انسانی منطقه جنوب آسیا از شرایط خوبی برخوردار نیست. غیر از موارد استثنایی، هزینه‌های نظامی کاملاً بر هزینه‌های دولت‌ها در زمینه آموزش و سلامت غلبه دارد. در این منطقه نوعی حس امنیتی حاکم بر منطقه مانع از رویارویی فراگیر است و منازعات نژادی - مذهبی در جای جای منطقه تداوم دارد. بعلاوه، آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان در می ۱۹۹۸م پتانسیل منطقه برای وقوع یک مبارزه‌ی فراگیر را افزایش داده است (Banerjee, 1999: 305). این عوامل باعث می‌شود جنوب آسیا به یک منطقه‌ی پاره‌پاره که در توسعه هویت منطقه‌ای شکست خورده است، تبدیل شود و روابط دوجانبه بین کشورهای منطقه با سوءظن و عدم اعتماد به یکدیگر همراه باشد (Haider, 2001:424).

از اینرو، پژوهش حاضر با هدف پاسخ به این سؤال تحقیق انجام شده است که تأثیر بنیان‌های جغرافیایی و ژئوپولیتیکی در پدید آمدن اختلافات سیاسی و درگیری‌های مذهبی و قومی در منطقه شبه‌قاره چیست؟ و تأثیر این مناقشات بر کیفیت مناسبات و الگوی روابط ژئوپولیتیکی کشورهای درون منطقه شبه‌قاره هند چیست؟ به عبارتی دیگر، الگوی روابط بین کشورهای منطقه براساس بنیان‌های جغرافیایی و ژئوپولیتیک آن بر چه الگویی منطبق است؟ جهت پاسخ به سؤال تحقیق، فرضیه بر این مبنا قرار گرفته است که در شکل‌گیری الگوی روابط ژئوپولیتیکی درون منطقه شبه‌قاره هند، بنیان‌های جغرافیایی و ژئوپولیتیکی مسائل به عنوان بستری، نوع و کیفیت الگوی روابط ژئوپولیتیکی را در این منطقه تعیین می‌کنند که به نظر می‌رسد این روابط بر الگوی روابط ژئوپولیتیکی تقابل در شبه قاره هند منطبق باشد. از آنجایی که براساس واقعیت‌ها و تجارب کسب شده در فرایند شکل‌گیری روابط در مناطق ژئوپولیتیکی، نقش و جایگاه عوامل جغرافیایی و

بنیان‌های ژئوپولیتیکی در میزان تراکم و فشردگی مناقشات (واگرایی) و همکاری‌های منطقه‌ای (همگرایی) و تأثیر آن بر روابط بین کشورها و امنیت ملی و منطقه‌ای آن‌ها حائز اهمیت است، مسلم است که چشم‌اندازهای امنیتی کشورها، دارای مؤلفه‌های پیچیده‌ای است که برخی از آن‌ها ریشه در جغرافیای امنیتی کشورها دارد؛ بنابراین، بررسی کارکرد عوامل جغرافیایی و ژئوپولیتیکی تنها به عنوان یک متغیر و در عین حال تأثیرگذار بر سایر عوامل مؤثر در امنیت ملی و روابط ژئوپولیتیکی کشورهای منطقه، در پژوهش حاضر مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات بر مبنای روش کتابخانه‌ای انجام شده است. بر همین اساس، جهت تجزیه و تحلیل یافته‌ها و ارزیابی فرضیه و در نهایت پاسخ به سؤال پژوهش، مصادیق کتابخانه‌ای به عنوان معیار و ملاک ارزیابی قرار گرفته است.

مفهوم آسیای جنوبی به عنوان یک منطقه ی ژئوپولیتیکی مستقل از حوزه‌های ژئواستراتژیک همجوار و تقسیمات منطقه‌ای آن‌ها، برای نخستین بار در سال ۱۹۶۳م توسط سوئل کوهن مطرح گردید. این مفهوم از دیدگاه سر هالفورد مکیندر که هندوستان، شبه جزیره ی آسیای جنوب شرقی و چین را سرزمین یکپارچه ی ساحلی و موسمی می‌دانست، منشعب شده است. از نظر کوهن، هرچند جنوب آسیا یک منطقه ی ژئوپولیتیکی یکپارچه‌ای نیست و هرگز نبوده، ولی منطقه ی جغرافیایی متمایزی می‌باشد که از شباهت‌های فرهنگی و انسانی بسیاری برخوردار بوده و از بقیه ی آسیا مجزا می‌باشد. شبه قاره ی به صورت یک منطقه جغرافیایی مجزا و منفک از همسایگان خود، پشت مانعی از بیابان‌ها، کوه‌ها و جنگل‌های موسمی قرار گرفته و بهترین مسیرهای اتصالاتی آن به خارج از طریق اقیانوس هند می‌باشد (Cohen, 2009: 331).

علیرغم وحدانیت جغرافیایی، نقشه سیاسی شبه‌قاره مثل بسیاری از مناطق دیگر، به وسیله فرایند جداسازی تکامل یافته است. توجه خاص به تشریح اختلافات، غالباً بر

اختلافات سر قلمرو و اختلافات مذهبی و قومی تمرکز دارد. این گونه اختلافات گذشته از اینکه آشکارا تلاقی برخورد جغرافیا و سیاست را به نمایش می‌گذارند، منشأ مهم تنش‌های بین‌الملل هم هستند. با وجود تجانس و وحدت جغرافیایی، تنوع زبان، مذهب و فرهنگ و اعتقادات در آسیای جنوبی بسیار شگفت‌آور است. از اینرو از لحاظ سیاسی، مرزها در جنوب آسیا کمتر از بقیه ی جهان دارای انعطاف هستند. بنابراین می‌توان گفت که منازعه اساسی در آسیای جنوبی تقابل میان وحدانیت جغرافیایی از یک سو و تکوین هویت‌های متمایز سیاسی از سوی دیگر است (Lal, 2006: 254). از این رو تعدد و تراکم اختلاف‌ها در شبه قاره هند، به تدریج زمینه ی تکوین یک منطقه ی ژئوپولیتیکی را در این منطقه از جهان و از زمان تقسیم آن مهیا کرده است؛ این وضع برخلاف تصور برخی صاحب‌نظران به هیچ وجه برای کشورهای یک منطقه مناسب نیست. به عبارت بهتر، کشورها باید سعی نمایند اثر مناطق ژئوپولیتیکی موجود را برطرف و حتی به تدریج آن را زایل نمایند زیرا با شکل‌گیری و تقویت هر منطقه ی ژئوپولیتیکی فضای رقابت آمیز موجود، تقویت خواهد شد (کامران و کریمی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۸۶). از نظر اقتصادی هم، جنوب آسیا نه تنها یکی از مناطق با رشد سریع جهان است بلکه این منطقه همچنین یکی از فقیرترین مناطق است که با فشار ناشی از رشد اقتصادی و افزایش جمعیت مشخص می‌شود (جدول ۱). در حالی که سرانه مصرف انرژی منطقه یکی از کمترین سرانه‌های مصرف انرژی در جهان است، حجم انرژی در منطقه همچنان خیلی بالاست. قسمت اعظم جمعیت منطقه دسترسی محدودی به منابع جدید انرژی دارند و بیشتر متکی به منابع سنتی انرژی هستند که نه تنها کافی نیست بلکه مسائل و مشکلاتی در زمینه سلامت و بهداشت و محیط زیست مرتبط به آن‌ها را وخیم‌تر می‌کند. افزایش وابستگی به واردات نفت و ضرورت‌های سرمایه‌گذاری‌های کلان جهت توسعه بازار انرژی چالش بزرگی را برای منطقه مطرح کرده است (Srivastava and Misra, 2007: 3360).

کشور	شاخص توسعه انسانی	رتبه شاخص توسعه انسانی	جمعیت زیر خط فقر	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	رتبه جهانی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	سرانه تولید به PPP ناخالص داخلی دلار
------	-------------------	------------------------	------------------	----------------------------	---------------------------------------	--------------------------------------

	(GDP)	GDP		در جهان		
هند	۳۱۰۰	۷	%۶/۱	%۲۵	۱۲۸	-/۶۱۹
پاکستان	۲۶۰۰	۵۵	%۲/۷	%۲۴	۱۳۶	-/۵۵۱
بنگلادش	۱۶۰۰	۲۴	%۵/۷	۳۶/۳ %	۱۴۰	-/۵۴۷
نیپال	۱۲۰۰	۴۸	%۳/۵	۲۴/۷ %	۱۴۲	-/۵۳۴
سریلنکا	۴۹۰۰	۱۷	%۶/۹	%۲۳	۹۹	-/۷۴۳
بوتان	۶۲۰۰	۱۸	%۵	۲۳/۲ %	۱۳۳	-/۵۷۹
مالدیو	۴۲۰۰	۴۹	%-۴	%۱۶	۱۰۰	-/۷۴۱

بنیان‌های جغرافیایی و ژئوپولیتیکای روابط در شبه‌قاره هند

۱- روابط درون منطقه‌ای و با استراتژیک مکان‌های جغرافیایی

مکان‌های جغرافیایی برتر در هر منطقه از زمین یا فضا در اختیار هر کشوری باشند به راحتی رسیدن به اهداف فعلی و آتی آن کشور را تضمین می‌کنند. ممکن است این موقعیت‌های مطلوب، به بزرگی یک کشور یا به کوچکی لکه‌های ترسیم شده بر روی نقشه‌های تاکتیکی بزرگ مقیاس باشند. قدرتی که به واسطه‌ی در اختیار داشتن یک نقطه یا ناحیه حاصل می‌شود، معمولاً برحسب مأموریت‌ها، موقعیت‌ها و شرایط نیروها، زمین و محدودیت‌های سیاسی متغیر است. مشاجره میان ایران و امارات متحده عربی بر سر کنترل ابوموسی، جزیره‌ی کوچکی که حکم درپوش بطری را برای تنگه‌ی هرمز دارد، و کشمکش میان بریتانیا و اسپانیا بر سر جبل‌الطارق یعنی جایی که اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه به هم می‌پیوندند، نمونه‌هایی از نقاط حادثه‌خیز هستند که اهمیت استراتژیک آن‌ها برای طرفین دعوا کمتر از عبورکنندگانی است که معمولاً برای تردد به این آبراهه‌ها وابسته‌اند. اختلاف میان آرژانتین و شیلی که هر دو ادعای حاکمیت تنگه‌ی ماژلان (Strait of Magellan) را دارند، و روابط خصمانه‌ی بین روسیه و ژاپن به خاطر جزایر کوریل (Kuril Islands) که شوروی سابق از جنگ جهانی دوم آن‌ها را از آن

خود کرده است، از جمله مواردی هستند که برای طرفین دعوا اهمیت بیشتری نسبت به بیگانگان دارند.

این در حالی است که رقابت قدرت‌ها و نیروهای متشکل سیاسی برای تصرف و کنترل فرصت‌ها و ابزارها و امکانات قدرت آفرین، مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی را از شرایط تعادل و آرامش خارج نموده و وضعیت بحرانی را بر آن‌ها تحمیل می‌نماید (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۸).

مهمترین مکان استراتژیکی که تشنج میان هند و پاکستان را در آشکارترین شکل خود بوجود آورده است و این تشنج به پیش از تشکیل دولت‌های آن‌ها باز می‌گردد، در منطقه مورد منازعه جامو و کشمیر شکل گرفته است طوری که اختلافات سرزمینی بین آنها با ادعاهای ایدئولوژیکی و مذهبی از استحکام و دوام بیشتری برخوردار شده است (کمپ و هارکاو، ج اول، ۱۳۸۳: ۱۶۲) برای بیش از ۶۰ سال، هند و پاکستان چهار جنگ را بر سر جامو و کشمیر تجربه کرده‌اند. جامو و کشمیر هر دو صحنه‌ی جنگ بین دو کشور و در صدر فهرست مذاکرات؛ هر دو کشور خواستار قرار گرفتن آن در چارچوب مرزهای خود بودند اما هیچکدام از آنها نتوانستند تاکنون در جامه‌ی عمل پوشاندن به خواسته‌ی خود به طور کامل موفقیتی کسب کنند (Schofield, 2003: xi).

این مناطق که در دامنه‌ی جنوبی کوه‌های هندوکش (Hindu Kush)، پامیر، قره قروم (Karakorum) و هیمالیا قرار دارند، برخی از بدیع‌ترین مناظر طبیعی جهان را در خود جای داده‌اند کشاورزان پاکستانی برای آبیاری مزارع خود تنها متکی به رودهای ایندوس، چناب (Chenab) و جهلوم (Jhulum) که از این کوه‌ها سرچشمه می‌گیرند، هستند. اما منازعات مذهبی بیش از حق بهره‌برداری از زمین، این منطقه را به یکی از نقاط دائماً حادثه‌خیز جهان بدل کرده است. تعصبات شدید و احتمال وقوع جنگ هسته‌ای، جامو و کشمیر را به انبار باروت بدل کرده و مسلماً آن را به یکی از مخاطره-آمیزترین نقاط روی زمین تبدیل نموده است. بنابراین، از آنجایی که منطقه کشمیر برای کشور پاکستان که حیات خود را مرهون رودخانه‌های پنجاب و سند و جلگه‌های

حاصلخیز ناشی از آن می‌داند، از اهمیت استراتژیک ویژه‌ای برخوردار است، کنترل آن از سوی قدرت رقیب پاکستان منبع تهدید جدی برای آن تلقی شده است (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۸۲) این در حالی است که سه نوع منازعه مجرد و مجزا در کشمیر وجود دارد: الف- تبادل آتش در امتداد خط کنترل ب- نزاع در سیاجن ج- درگیری بین نیروهای امنیتی و ستیزگران در جامو و کشمیر (Cloughley, 1999: 227).

اختلافات هیدروپولیتیک بر سر تقسیم آب رودخانه‌ها در جنوب آسیا بُعد دیگری از بار استراتژیک مکان‌های مورد منازعه در شبه‌قاره هند را ارائه می‌دهد. واقعیت این است که چشم‌انداز جنگ بر سر منابع آب در آسیای جنوبی موجب نگرانی جهانیان شده است. در روابط میان کشورها، منازعه بر سر ایندوس میان هندوستان و پاکستان، ادعای آب رودخانه گنگ در فراکا (Farakka) بین هندوستان و بنگلادش و سهم‌بندی جریان روخانه ماهاکالی (Mahakali) میان هندوستان و نپال همه نمادی از اختلاف بر سر آب در آسیای جنوبی به شمار می‌روند. در شبه قاره هند، جریان آب از رودخانه کریشنا (Kirishna) مشکلاتی را برای حکومت‌های آندرا (Andhra)، کارناتاکا و تامیل نادو (Karnataka and Tamil Nadu) ایجاد کرده است. نزاع میان هاریانا و پنجاب (Haryana and Punjab) نزاع در خصوص توزیع آب در کانال‌های ایندوس هنوز ادامه دارد. انتظار می‌رود وقتی گجرات، مادیا پرادش و ماهاراشترا (Madhya Pradesh and Maharashtra) شروع به چانه‌زنی در مورد آب‌های نارمادا (Narmada) کنند چنین منازعاتی انتظار می‌رود. خصوصی سازی آب و اثرات آن بر فقر و حاشیه‌نشینی نگرانی فعالان حقوق مصرف‌کننده را در سراسر آسیای جنوبی برانگیخته است. به نظر می‌رسد مسئله جامعه قطبی بیشتر مطرح است و اثرات معکوسی بر هماهنگی اجتماعی دارد (Lal, 2006: 260). در این میان رودخانه‌های بزرگ جنوب آسیا، بویژه گنگ و براهماپوترا، موضوع بحث بین دولت‌های منطقه حداقل در طی چهار دهه گذشته بوده است (Crow and Singh, 2000: 1907).

این در حالی است که چهارصد میلیون نفر در حوضه ی گنگ - برهماپوترا به میزان بسیار زیادی به آب های آن جهت آبیاری، مصرف خانگی، ماهیگیری، دریانوردی و نیروی برق آبی وابسته هستند در حالیکه اکثریت مردم روستایی هستند، تمرکز در شهرهای بزرگ نظیر، کلکته (Calcutta)، داکا (Dacca)، وارانسی (Varansi)، اله آباد (Allahabad)، کانپور (Kanpur)، آگرا (Agra) و دهلی نو (New Delhi)، فشارهای سنگینی را در زیرساخت شهری کمتر توسعه یافته، ایجاد کرده است (Shmueli, 1999: 445).

۲- روابط درون منطقه‌ای و جغرافیای مشاجرات فرهنگی

بنا به استدلال برخی از اندیشمندان، ثبات سیاسی تا حدود زیادی در ارتباط با توزیع جغرافیایی و فضایی مذهب و زبان است. در حقیقت، شاید مذهب و زبان قوی‌ترین نیروهای مؤثر در دولت‌های مستقل کنونی محسوب شوند (جردن و راونتری، ۱۳۸۰: ۱۷۱). در مسائل مربوط به قومیت، مذهب و جنگ‌های داخلی، فاصله جغرافیایی یک عامل حیاتی است به این دلیل که نزدیکی به کانون مناقشه عاملی مهم در تعیین تأثیر بی‌ثبات کننده مناقشه منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار می‌رود، هر چند این امر نیز مهم است که درجه ی بی‌ثباتی موجود در کشورهای مجاور منطقه مناقشه تا چه حد است. این نزدیکی باعث انفجار در کشور همسایه نمی‌شود اما وضعیت سیال گذشته را بدتر خواهد کرد. ظهور یک رژیم انقلابی یا دشمن در مجاورت یک کشور می‌تواند اتحاد ملی و ثبات آن کشور را مورد تهدید قرار دهد، بویژه اگر باعث تحریک شکاف‌های موجود میان جوامع همسایه گردد (کمپ و هارکاو، ج اول، ۱۳۸۳: ۱۳۹).

بر اساس استدلال بنکستون، بیشتر منازعات و درگیری‌های جدید در شبه‌قاره هند ریشه در تاریخ دارد و بسیاری از آنها براساس مجموعه‌ای از خصیصه‌ها و ویژگی‌های جغرافیایی وخیم‌تر می‌شوند (Bankston, 2003: 168). از نقطه نظر نژادی، منطقه جنوب آسیا از بسیاری جهات، یکی از پیچیده ترین مناطق از نظر دارا بودن کشورهای چند قومیتی است که هر یک به خاطر وجود چندین گروه زبانی، منطقه‌ای یا ایالتی، تمایزات

همگانی و فرقه‌ای مشخص می‌شوند در حالی که گروه‌های همانند در سرتاسر مرزهای ملی زندگی می‌کنند. هنوز، چند فرهنگی یا کثرت‌گرایی یک راهنمای کل حکومت یا حتی فرهنگ سیاسی برای منطقه به شمار می‌آیند (Sahadevan, 2002: 103). از این رو، تضادهای قومی و نژادی در کشورهای منطقه جنوب آسیا عامل اصلی بحران‌های داخلی این منطقه محسوب می‌شود (وقاری، ۱۳۸۳: ۱۸۱). منازعات بین هند و پاکستان در منطقه کشمیر، درگیری‌های داخلی در ایالت پنجاب، بیرهای تامیل در روابط بین هند و سری لانکا، مسائل قومی و نژادی در روابط هند و بنگلادش و هند و نپال، منازعات قومی در شمال شرق هند و منازعات قومی در پاکستان تنها نمونه‌ای از اختلافاتی است که کیفیت ارتباط بین سیاست‌های داخلی و بین‌المللی در شبه قاره هند را بخوبی توصیف می‌کند (Rubinoff, 2000: 276).

منازعات داخلی یا بین‌دولتی (درون منطقه‌ای)، توسعه‌ی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جنوب آسیا را نیز با موانع جدی روبرو کرده است. منطقه‌ای که پرجمعیت‌ترین منطقه‌ی جهان و دارای یکی از ناهمگون‌ترین مناطق به لحاظ نژادی، فرهنگی و زبانی است. به هر حال، این منطقه محل دشمنی‌های نژادی، مخاطرات اجتماعی و جنگ‌های متعدد ریشه‌دار درون‌کشوری و بین‌کشوری است. برخی از این درگیری‌ها، نظیر آنچه در کشمیر و سری‌لانکا در جریان است، نمود بارز و آشکاری یافته‌اند در حالیکه بسیاری دیگر از آنها حداقلِ توجهات را به خود جلب کرده‌اند (Hari and Others, 2003: 1). ابن خلدون، مورخ عرب، این امر را به خوبی تشخیص داده بود و به همین دلیل قلمرو دولت‌ها را به دو بخش «سرزمین‌های گنجینه» که زیر کنترل رسمی دولت است و «سرزمین‌های ناآرام» که نظارت دولت بر آن‌ها بسیار ضعیف است، تقسیم کرده است (Drysdaal and Blake, 1985: 45).

جدول ۲- منابع جغرافیایی مشاجرات فرهنگی* در جنوب آسیا

تقاضاها	مشاجره گروه/حزب	دلایل
جدایی طلبی	ناگاه، میزوها، می تی ها، آسامها، کشمیری ها، بلوچ ها	ترس از دست دادن هویت (در نتیجه ی تشکیل قلمرو ملی مستبد)
جدایی طلبی یا خودمختاری	بودهها، می تی ها، سیکها، لوتشامپاها	ترس از تلفیق (بواسطه حفظ مرز نژادی مستبد)
جدایی طلبی یا خودمختاری	تریپوری ها، می تی ها، آسامها، گورخاها، سندی ها، سریلانکایی ها، تامیل ها، قبایل سی اچ تی	ترس از به حاشیه رانده شدن (در نتیجه سلطه عامل برون گروهی)
جدایی طلبی یا خودمختاری	پاکستانی های شرقی، سریلانکایی ها، تامیل-ها، میزوها، بلوچ ها، مهاجرها، سندی ها، آسامها، می تی ها، تریپوری ها، گورخاها	احساس ترس از محرومیت نسبی (در نتیجه عدم پذیرش برابری)
جدایی طلبی یا خودمختاری	پاکستانی های شرقی، سریلانکایی ها، تامیل-ها، پشتون ها، قبایل سی اچ تی، آسامها، سیکها، کشمیری ها، دراویداستانها	احساس از دست دادن قدرت (بواسطه ی سلطه ی تمرکز قدرت اکثریت)

.(Sahadevan, 2002: 105)

* با توجه به وضعیت مکانی استقرار غالب اقوام و فرهنگها در مناطق مرزی و حاشیه ای کشورهای شبه قاره، تأثیرگذاری آنها در امنیت ملی و منطقه ای به مراتب شدیدتر از مناطق مرکزی است.

در این میان، پاره ای کشمکش های فرهنگی، صرفاً محلی یا منطقه ای هستند، ولی برخی دیگر پیامدهای گسترده تری دارند. برای مثال جنبش های شورشی در کشورهای نپال و بوتان و منازعات قومی در پنجاب پاکستان و کشور بنگلادش، ظاهراً درون مرزهای کنونی این کشورها جریان دارد، در حالی که دامنه و شدت منازعات موجود در کشمیر به سرعت افزایش می یابد، چون کشورهای دخیل یعنی، چین، هند و پاکستان با سلاح های هسته ای خود برای دیگران عرض اندام می کنند .

برای نمونه تمرکز و همجواری جغرافیایی پشتون ها در حاشیه ی مرز پاکستان-افغانستان، باعث شده است تا افغانستان مهمترین تهدیدگر استراتژیک امنیت ملی و تمامیت ارضی پاکستان بعد از هند به شمار رود. هرچند پشتون ها که در سه قرن اخیر به طور سنتی، قدرت سیاسی را در کابل در کنترل خود داشته اند، با نپذیرفتن خط مرزی دوران، دومین نیروی تهدیدگر علیه پاکستان، پس از هند به شمار می روند (کریمی پور، ۱۳۸۰: ۱۴۸-۱۴۷).

۳- روابط درون منطقه‌ای و فضاهای امن/ناامن (بحرانی)

مجموع کشورهای هر منطقه می‌تواند انتظار اثرات فوری اغتشاش‌ها و ناامنی‌های منطقه‌ای ناشی از فضای بحرانی را در فضای ملی و منطقه‌ای خود داشته باشند. صدور بحران به فضای ملی و سرزمینی کشورها در فضای رقابتی و بحرانی، در واقع جنگی اعلان نشده برای کشورها و مجموعه امنیتی منطقه محسوب می‌شود، که در اغلب موارد به صورت غیرمستقیم اتفاق می‌افتد. علاوه بر این، تأثیر موقعیت‌های بحرانی بر ادراکاتی که در آن تصمیم‌گیرندگان باید تصمیمی اتخاذ کنند، غیر از موقعیت‌های غیربحرانی و عادی است. در چنین حالاتی، فرایندهای تصمیم‌گیری، محدودیت‌ها و فشارهای وارده - که غالباً روانی است - متفاوت از موقعیت‌های عادی است. موقعیت بحرانی، تصمیم‌گیرنده را در معرض انواع انتخاب‌ها قرار می‌دهد و تصمیم‌گیرنده وادار می‌شود که به طریقه خاصی به آن انتخاب‌ها بنگرد چنین موقعیت‌هایی میل تصمیم‌گیرنده به رفتار عقلایی را، تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. تصمیم‌گیرندگان در موقعیت‌های بحرانی بدون استرس یا استرس پایین، عقلایی‌تر و سنجیده‌تر تصمیم می‌گیرند (راست و استار، ۱۳۸۵: ۴۰۰).

تأثیر بحران کشمیر بر روابط درون منطقه‌ای شبه قاره هند، آشکارترین نمونه عینی یک بحران ژئوپولیتیکی است که بر مجموعه امنیتی فضای منطقه‌ای شبه قاره هند اثر بی‌بدیلی در قیاس با سایر مسائل و مشکلاتی که در شبه قاره هند وجود دارد، می‌گذارد. این منازعه نمونه‌ی یک مناقشه‌ی حل نشده‌ای است که از عادی شدن روابط بین دو کشور خلف بریتانیا جلوگیری می‌کند. همان طوری که سامیت گانگولای (Sumit Ganguly) اشاره می‌کند «تصرف کشمیر یک ایالت با اکثریت جمعیت مسلمان در مجاورت دو کشور تازه متولد شده بسیار مهمتر و فراتر از یک ادعای سرزمینی صرف تلقی شده است. هر کدام از مدعیان، ادعا دارند که الغای ادعایشان اساس هستی و موجودیت آن‌ها را به خطر خواهد انداخت. برای ناسیونالیست‌های هندی مثل جواهر لعل نهرو، الحاق کشمیر به هند خیلی مهم بود چون او می‌توانست در این صورت زندگی

همه ی آیین‌ها در یک دولت سکولار را به نمایش بگذارد، در حالی که ناسیونالیست‌های پاکستانی نظیر محمدعلی جناح - بنیانگذار پاکستان - احساس می‌کرد که بدون الحاق کشمیر به پاکستان، استقلال کشور پاکستان تکمیل نشده است. این یک واقعیتی است که مسأله ی بغرنج و پیچیده ی کشمیر را به عنوان یک راه بن بست باقی خواهد گذاشت و اطمینان از اینکه نه هند و نه پاکستان حاضر به اعطای امتیاز در این مورد نخواهند بود» (Rubinoff, 2000:276-277).

از طرف دیگر، اختلاف بر سر کشمیر اختلاف در مورد مفاهیم رقیب دولتمداری در جنوب آسیا نیز هست که از زمان استقلال آن‌ها بوجود آمده است. هند خود را یک دولت چندملیتی شامل تمام ملیت‌های خود می‌داند و احتیاج کمی به کشورهایی همچون پاکستان که مبتنی بر یک مذهب و نژاد هستند دارد. برعکس، پاکستان به دلیل این که بنیانگذاران آن نیاز به وجود دولت را برای هر دو مردم شبه قاره، هندوها در هند و مسلمانان در پاکستان ضروری می‌دانستند، یک دولت اسلامی را ایجاد کردند. در حالی که بیشتر سرزمین‌ها میان هندوها و مسلمانان با ابزارهای نظامی و غیرنظامی تقسیم شدند و سرانجام پذیرش دو طرف را در پی آورده است، اما کشمیر هم چنان به دو بخش تقسیم شده باقی مانده است؛ هر یک از طرفین حاکمیت بر کشمیر را بخشی از مناقشه شصت ساله اش برای استقلال می‌داند. با توجه به چنین مبنای ایدئولوژیک نیرومندی، حل این نزاع بسیار دشوار است طوری که تا به امروز تداوم داشته است (کمپ و هارکاو، ج اول، ۱۳۸۳: ۱۶۳).

۴- روابط درون منطقه‌ای و شکل‌گیری اتحادیه‌های منطقه‌ای (درجه استحکام پیوندهای

درونی)

کاهش خطر رویارویی‌ها بین اعضا و دست‌یابی به امنیت منطقه‌ای در برابر تهدیدهای پیرامونی، در شمار نتایج ملموس منطقه‌گرایی است. در واقع امنیت منطقه‌ای، ... جوهره‌ای است که از آن حتی برای تعریف تشکل‌های منطقه‌ای نیز استفاده می‌شود. چنان که بهترین نمونه ی آن در الگوی همکاری امنیتی مشترک اروپایی چه در خلال جنگ سرد و

چه در اوضاع کنونی مشاهده می‌شود (کامران و کریمی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۸۱). در واقع ضیاء الرحمن (Ziaur Rahman) با درک این مطلب که شبه قاره ی هند از نقطه نظر جغرافیایی و سیاسی به گونه‌ای است که حرکت جداگانه کشورها نمی‌تواند توسعه پایدار آن‌ها را تسریع کند، دیدگاه خود (در خصوص تشکیل یک اتحادیه منطقه‌ای) را با رهبران سایر کشورها در میان گذاشت. از آنجا که رهبران سایر کشورها به نتایج کم و بیش مشابهی رسیده بودند، پیشنهاد رئیس جمهور بنگلادش را مثبت تلقی کرده و مذاکرات جدی برای تشکیل سارک بین کشورهای منطقه آغاز شد (ملازهی، ۱۳۸۲: ۱۲۲).

در ابتدا غیر از هند و پاکستان، کلیه کشورهای منطقه بر این ایده و پیشنهاد صحنه گذاشتند. هند می‌ترسید که وجود یک سازمان منطقه‌ای در شبه قاره هند ممکن است فرصتی را برای همسایگان کوچک آن در خصوص همگرایی دو جانبه منطقه‌ای فراهم آورد و آنها را بر علیه هند گرد هم آورد. پاکستان نیز تصور می‌کرد که ممکن است - ایجاد سازمان منطقه‌ای - استراتژی هند جهت سازمان دادن کشورهای جنوب آسیا بر علیه پاکستان باشد و بازاری را برای تولیدات خود تضمین کند. در نتیجه، سلطه اقتصادی خود بر جنوب آسیا را هر چه بیشتر محکم و تقویت کند. علیرغم برخورد سرد اولیه از طرف دو کشور مهم منطقه، بنگلادش بر دیپلماسی فعال و کامل خود در سطوح گوناگون پافشاری کرد و بالأخره، همه ی کشورها اختیارات لازم جهت تهیه گردش کار بین مأموران دولتی منطقه را به بنگلادش سپردند. اما تشکیل سارک تقریباً تا پنج سال قبل از اینکه همه کشورهای در مورد توافقنامه همکاری تحت عنوان همکاری‌های منطقه‌ای برای جنوب آسیا (سارک) در دسامبر ۱۹۸۵ به توافق برسند، طول کشید. اساس طرح سارک پیگیری و تعقیب منافع متقابل کشورهای منطقه در زمینه‌های کشاورزی، توسعه روستایی، ارتباطات مخابراتی، هواشناسی، سلامت و بهداشت و کنترل جمعیت، حمل و نقل، ورزش، هنر و فرهنگ، خدمات پستی، و علم و تکنولوژی است (Jain, 1999: 405).

با ایجاد سارک، جنوب آسیا به عنوان یک هویت منطقه‌ای در سیستم سیاسی بین‌المللی ظهور کرد. اما، روابط خصمانه بین کشورهای سارک با آزمایشات اتمی دو کشور هند و پاکستان که فضای جدیدی از تنش و اختلاف در جنوب آسیا را بوجود آورده بود، تشدید شده است (Haider, 2001: 434) و اگرچه این تشکیلات توانسته است تاکنون جلسات متعددی را با حضور رهبران سیاسی کشورهای عضو ترتیب دهد، ولی رقابت‌های دیرپا میان هند و پاکستان اجازه نداده است تا به امروز این اتحادیه به یک گروهبندی منطقه‌ای واقعی تبدیل شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۲۲۴).

۵- روابط درون منطقه‌ای و ثبات و امنیت منطقه‌ای

بین روابط درون منطقه‌ای و میزان ثبات نظام‌های سیاسی منطقه‌ای ارتباط کاملاً مستقیمی برقرار است. بدین معنی که تشکیل جزیره‌ی ثبات در دریاهای ناامن منطقه‌ای، ناممکن و یا ناپایدار است؛ برعکس ناآرامی و بحران‌زایی موردی، در مناطق با ثبات دوام چندانی نخواهد داشت (کامران و کریمی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۸۳).

به علاوه، تجارب تاریخی بشر در ادوار گذشته و ماهیت زندگی اجتماعی او ثابت کرده است که تنها در یک فضای امن و صلح‌آمیز است که توسعه و تکامل همه‌جانبه بشر محقق شده است و فضای ناشی از ناامنی و هرج و مرج به غیر از عقب افتادن توسعه‌ی جوامع، چه به لحاظ مادی و چه به لحاظ معنوی، هزینه‌های سرسام‌آور و رقت‌باری بر جوامع بشری تحمیل کرده است؛ که جبران و ترمیم عواقب و پیامدهای ناشی از آن را با مشکلات جدی روبه‌رو کرده و در مواردی هم لاینحل گذاشته است (حسین‌پور پویان، ۱۳۸۶: ۳۴۲ - ۳۴۱).

نگرانی‌های امنیتی اصلی جنوب آسیا مربوط به بخش سیاسی، نظامی، ناشی از کشمکش هند و پاکستان است، این درگیری از این جهت که یکی از علل ریشه‌ای آن ناسازگاری اصول شالوده‌ساز سیاست و هویت در دو کشور بوده است دارای برخی عناصر اجتماعی نیز بوده است. هند کشوری چندقومی و تا اندازه‌ای چندکیشی است و همین موجب می‌شود پاکستان احساس کند که هند می‌خواهد همه‌شبه‌قاره (از جمله

خود پاکستان) را در برگیرد. از سوی دیگر پاکستان کشوری با مبنای مذهبی است و به واسطه همین منطق خاص‌نگر، بنیان فدرالی و غیرمذهبی دولت هند را زیر سوال می‌برد. این پوشش که از ستیز مسلط واحدی ریشه می‌گیرد و ابعاد بسیاری را در یک ستیز ادغام می‌کند به صورت بالقوه جای خود را به صحنه امنیت به مراتب کلی‌تر، پیچیده‌تر و سردرگم‌کننده‌تری می‌دهد که در آن درگیری‌های اجتماعی در داخل دولت‌ها برجستگی بیشتری دارد. در پاکستان میان پنجابی‌ها، پاتان‌ها، بلوچ‌ها، سندی‌ها تنش‌هایی وجود دارد و بندر اصلی آن کشور - کراچی - گرفتار خشونت‌های سیاسی و جنایی قوم محورانه است. هند هم دارای انواع جنبش‌های جدایی طلب قومی - مذهبی است که مشهورترین-شان سیک‌ها و کشمیری‌ها هستند. تنش میان اکثریت هند و اقلیت مسلمان این کشور همچنان موجب بروز منظم خشونت‌های فرقه‌ای می‌شود و خیزش ملت‌گرایی هندو به عنوان یک نیروی سیاسی می‌تواند مبنای اساسی دولت هند را به خطر اندازد. سریلانکا نیز همچنان گرفتار یک جنگ داخلی قومی - مذهبی طولانی میان تامیلی‌ها (که با همبود بزرگی در جنوب هند پیوند دارند) و سینهایلی‌ها (بودایی‌ها) است (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۰۵-۲۰۴).

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

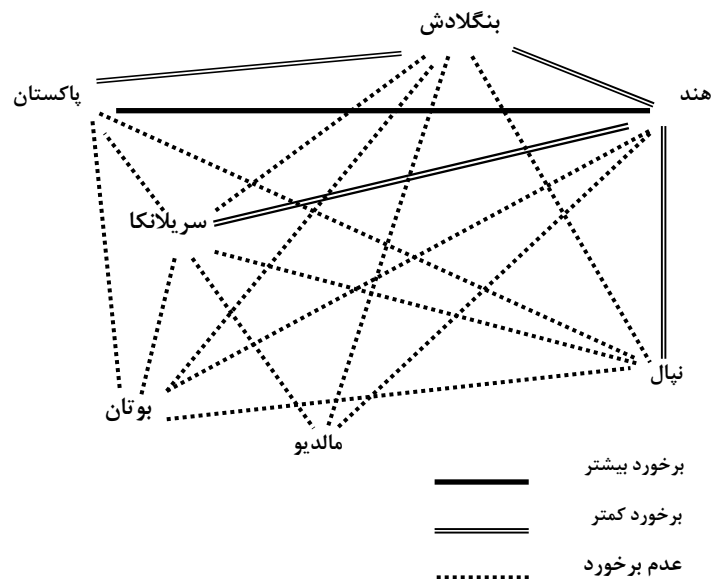
باراستراتژیک مکان‌های جغرافیایی، جغرافیاهای مشاجرات فرهنگی، ثبات و امنیت منطقه‌ای، اتحادیه‌های منطقه‌ای (درجه استحکام و پیوندهای درونی)، فضاها امن / ناامن (بحرانی)، باراستراتژیکی فضاها، و... اکثریت این ابزارها، عوامل جغرافیایی و ژئوپولیتیکی بزرگی هستند که حتی ساختار امنیت ملی هر یک از کشورهای منطقه شبه‌قاره را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. به همین دلیل شناخت موقعیت و وضعیت کشور در فضای منطقه‌ای و تلاش برای کم کردن تنش‌ها و تخفیف تهدیدها، برای گسترش همکاری‌های همه جانبه و روابط ژئوپولیتیکی مطلوب به عنوان محور تدوین استراتژی کشورها در شبه-قاره هند، بایستی از طرف همه واحدهای سیاسی منطقه، بویژه هند و پاکستان به عنوان یک امر ضروری مورد پذیرش قرار گیرد.

بر این اساس، بنیان‌های جغرافیایی و ژئوپولیتیکی به عنوان بستر و زیربنای روابط ژئوپولیتیکی در درون منطقه ی شبه‌قاره هند آن قدر بااهمیت تلقی می‌شود که بدون آگاهی از آنها تحلیل دقیق مسائل و تحولات مربوط به آن مشکل و در برخی موارد غیرممکن به نظر می‌رسد و این جدای از جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیکی سیاست‌های بین‌المللی است. در این میان، کانون جغرافیایی و ژئوپولیتیکی کشورهای آسیای جنوبی، در شکل متدوال امنیتی به میزان قابل توجهی از روابط واقعی منطقه که با اختلافات سیاسی و منازعات مسلحانه مسحور شده است، نشأت می‌گیرد. منطقه نه تنها شاهد وجود مناقشات مسلحانه بین هند و پاکستان بوده است، همچنین دچار تنش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، نژادی و زبانی است. هند تنها کشور منطقه است که با همه کشورهای منطقه مرز مشترک دارد و کانون همه کنش‌های منطقه‌ای است. اختلاف در وسعت خاک، نیروی انسانی عظیم، ارتش قابل ملاحظه، قدرت تکنولوژیکی و اقتصادی و شخصیت رهبری در سطح منطقه و حتی در سطحی وسیعتر، همه این موارد نشاندهنده ی هند به عنوان قدرتی برتر و مسلط در منطقه است (Thapliyal, 1999: 51).

بنابراین، براساس دستاوردهای بررسی حاضر، فرضیه تحقیق که عبارت بود از اینکه که در شکل‌گیری الگوی روابط ژئوپولیتیکی درون منطقه ی شبه‌قاره هند، بنیان‌های جغرافیایی و ژئوپولیتیکی مسائل به عنوان بستری، نوع و کیفیت الگوی روابط ژئوپولیتیکی را در منطقه شبه‌قاره هند تعیین می‌کنند؛ اثبات می‌گردد. بنیان‌های جغرافیایی در منطقه شبه قاره هند از جمله توزیع، پیوستگی یا تداخل جغرافیای مذهب و قومیت به عنوان بستر و عوامل مؤثر در کیفیت مناسبات بین کشورهای منطقه شبه‌قاره هند نقش ایفا می‌کنند. همانطوری که جفری کمپ و هارکاوای نیز استدلال می‌کنند همانند بسیاری از نمونه‌های امروزی تنش در جهان، شبه قاره هند عمیقاً از جغرافیا و وضع ظاهری آن متأثر شده است (کمپ و هارکاوای، ج ۱، ۱۳۸۳: ۵۰) طوری که الگوی روابط ژئوپولیتیکی در این منطقه را به سوی تقابل و رویارویی دو قدرت مهم این منطقه سوق داده است که با توجه به وزن ژئوپولیتیکی و نقشی که این دو کشور در ساختار قدرت در منطقه ی

ژئوپولیتیکای شبه‌قاره و همچنین معادلات ژئوپولیتیکای این منطقه ایفا می‌کنند الگوی مزبور را به راحتی می‌توان به کل منطقه تعمیم داد. در این میان، از نقطه نظر جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک، کشمکش هندوها و پاکستانی‌ها بر سر کشمیر در شمول کشمکش بر سر کنترل فضا، مناقشات بین دولتی بر سر میزان سهم‌بری و تقسیم آب رودخانه‌های مرزی در زمره ی منابع جغرافیایی هیدروپولیتیک، و ادعاهای ناسیونالیسم قومی در راستای اهداف تجزیه‌طلبانه و تشکیل کشور در زمره ی کشمکش بر سر قلمرو سیاسی مستقل قرار دارد، در صورتی که تاریخچه رقابت‌های تسلیحاتی و اتمی بین دو کشور را می‌توان جزو منابع کشمکش ژئواستراتژیک دانست. این در حالی است که امروزه تحلیلگران علاقه زیادی به مطالعه مسائل و موضوعات مربوط به منازعه منطقه‌ای و چگونگی برخورد با آن دارند. عموماً تصور بر این است که مناقشات منطقه‌ای به صورت دل‌مشغولی و نگرانی اصلی سیاستگذاران باقی خواهند ماند، زیرا هم تهدیدات جدی علیه صلح و اقدامات امنیتی به شمار می‌روند و هم باعث مشکلات پیچیده‌ای در مدیریت مسائل امنیتی می‌شوند (Morgan, 1997: 20).

شکل ۴- الگوی روابط ژئوپولیتیکای مبتنی بر تقابل در منطقه شبه‌قاره



نتیجه

از تطبیق بنیان‌های جغرافیایی و ژئوپولیتیکی با ماهیت روابط درون‌منطقه‌ای در شبه-قاره هند، نتایج زیر به دست می‌آید، که می‌تواند مبنای مطالعات گسترده‌تری باشد.

۱- هفت کشور واقع در شبه‌قاره هند به اعتبار موقعیت جغرافیایی، گرایش‌های سیاسی، تعاملات تاریخی و نیز تعاملات اقتصادی، به منطقه شبه‌قاره هند تعلق دارند. بنابراین، می‌توان گفت که در قلمرو شبه‌قاره هند یک منطقه ی ژئوپولیتیک تشکیل شده است. در عین حال به دلیل ناآرام و بی‌ثبات بودن این منطقه در نتیجه فضای غالب بر روابط دو قدرت مهم و بزرگ منطقه و به ویژه محدود بودن محورهای اتصالی این منطقه با یکدیگر در سایه فضای رقابتی شکل گرفته، منطقه شبه‌قاره هند، در وضعیتی است که چشم انداز آتی آن را در مقیاس درون‌منطقه‌ای نمی‌توان امیدوارانه ترسیم کرد. شکی نیست که کیفیت الگوی روابط ژئوپولیتیکی در منطقه، زمینه دلمشغولی استراتژیک برای کشورهای درون منطقه را فراهم آورده است، که توان آن‌ها را برای تعامل و همکاری با سایر مناطق ژئوپولیتیکی و در نهایت سیستم جهانی، به تحلیل خواهد برد.

۲- بسترهای سرزمینی، قومی و هیدروپلیتیک منازعه ی کشمیر به تنهایی کافی است تا امنیت درون منطقه‌ای شبه‌قاره هند و کیفیت روابط ژئوپولیتیکی کشورهای منطقه را به میزان قابل توجهی خدشه دار نماید. چرا که امنیت جنوب آسیا با خصومت بین دو کشور همسایه هند و پاکستان، به شدت تهدید می‌شود. هند و پاکستان واقعیت‌های ژئوپولیتیکی مسلط در جنوب آسیا هستند. هر کشوری که به امنیت این دو علاقمند باشد، قبل از هر چیز باید نقش هر دو کشور را مورد توجه قرار دهد. نگرانی برای امنیت هند و یا برعکس، یک مفهوم مجرد نیست.

۳- غیر از SAARC که همه ی هفت کشور منطقه ی شبه قاره هند را در سازمانی غیر کارآمد و کم اثر گرد آورده، هیچ سازمان دیگری برای تقویت همگرایی‌های منطقه‌ای هنوز شکل نگرفته است. قراردادهای همکاری‌های دوجانبه بین اعضای این منطقه، ثمر چندانی در نزدیک کردن و تفاهم دیدگاه‌های هند و پاکستان نداشته است. در عین حال

انتظار می‌رود، در سال‌های آینده، دولت‌های منطقه با تهدیدهای درون منطقه‌ای و داخلی جدی نسبت به امنیت و ثباتشان و در نتیجه روابط بین آنها مواجه شوند. این تهدیدها شامل چندین مورد است:

مناقشه‌ها و تعارض‌های متعدد نسبت به زمینه‌های سرزمینی، آب و منابع معدنی و انرژی، تجزیه طلبی‌های نژادی، رشد سریع جمعیت، فساد و رشوه‌خواری فراگیر، خیانت و تقریباً اختلال کامل در رایۀ خدمات اجتماعی و سیاسی، اختلاف بین احزاب و نهادهای سیاسی و مدنی، خرابی‌های زیست‌محیطی، سرکوب و ستم سیاسی و فقدان سازوکارهای عملی برای انتقال قانونمند قدرت.

۴- شبه‌قاره هند در بین دو منبع مهم تولید و مصرف منابع هیدروکربوری جهان قرار گرفته است؛ تنگه هرمز به عنوان کانون تولید و تنگه مالاکا به عنوان دروازه ورود به بزرگترین بازار مصرف انرژی در جهان. به این دلیل، این منطقه، ناخواسته کانون تجمع علایق و منافع چندین قدرت منطقه‌ای و جهانی شده است: موقعیت شبه قاره هند به عنوان محور و کانون اتصال دو منبع ذکر شده، عملکرد و ظرفیت‌های دوگانه آن به عنوان یکی از بزرگترین بازارهای مصرف انرژی و هم به عنوان یک کانون قدرت نوظهور به واسطه نقش هند، ارزش‌های ایدئولوژیک قومی و زبانی آن و نقش امنیتی این منطقه در ارتباط با علایق و منافع روسیه، چین، ایالات متحده و اتحادیه اروپا. از نظرگاه ایالات متحده، حوزه آسیا - پاسفیک، حوزه اقیانوس هند (بخصوص بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م) و اتحادیه اروپا مکمل ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک این کشور هستند و با تعدیل حضور ایالات متحده، در حوزه آسیا - پاسفیک و اقیانوس هند، می‌بایست این حوزه‌ها زیر سیطره ی هند و چین درآید که در این صورت رقابت بین هند و چین وارد مرحله جدیدی خواهد شد

منابع

- ۱- بوزان، باری؛ ویور، اُلی و ویلد، پاپ دو (۱۳۸۶) **چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت**. ترجمه علیرضا طیب. تهران: انتشارات پژوهشکده ی مطالعات راهبردی.
- ۲- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۹) **مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی**، جلد اول، قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
- ۳- حسین‌پور پویان، رضا (۱۳۸۶) **بررسی و تحلیل عوامل و متغیرهای مؤثر در تدوین استراتژی‌های آمایش دفاعی - امنیتی منطقه ی مرزی شمال غرب کشور**، مجموعه مقالات همایش مرز: چالش‌ها و فرصت‌ها. جلد دوم. ارومیه: فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- ۴- راست، بروس و استار، هاروی (۱۳۸۵) **سیاست جهانی محدودیت‌ها و فرصت‌های انتخاب**، ترجمه علی امیدی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۵- کامران، حسن و کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۳) **«بسترهای جغرافیایی تهدیدهای بیرونی مطالعه ی موردی: حاشیه ی دریای مازندران»**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، صص ۱۷۹ - ۱۹۰.
- ۶- ریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۰) **مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)**، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم.
- ۷- کمپ، جفری و هارکاو، رابرت (۱۳۸۳) **جغرافیای استراتژیک خاورمیانه**، جلد اول: پیشینه، مفاهیم و مسایل، ترجمه سید مهدی حسینی متین، چاپ اول. تهران: پژوهشکده ی مطالعات راهبردی.
- ۸- ماندل، رابرت (۱۳۷۷) **چهره ی متغیر امنیت ملی**، ترجمه پژوهشکده ی مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۹- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۹) **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**، تهران: سمت.

۱۰- ملازهی، پیرمحمد (۱۳۸۲) **سارک: سیاست امنیت و همکاری منطقه‌ای ناکام**، کتاب آسیا ویژه مسائل امنیتی شرق آسیا، تهران: مؤسسه فرهنگی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

۱۱- وقاری، مجید (۱۳۸۳) **بحران قومیت در سریلانکا**، کتاب آسیا ویژه بحران‌های آسیا، تهران: مؤسسه فرهنگی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

12- Banerjee, Dipankar (1999) "Towards Comprehensive and Cooperative Security in South Asia". *South Asian Survey*. No: 6. P 305 – 318. DOI: 10.1177/097152319900600211.

13-Bankston, Carl L. (2003) "World Conflicts Asia and the Middle East" Volume 1, California and New Jersey: Salem Press, INC.

14-Cloughley, Brian (1999). "Violence in Kashmir". *Security Dialogue*, No 30, pp 225-238. DOI: 10.1177/0967010699030002009.

15-Cohen. Saul Bernar(2009). "Geopolitics the Geography of International Relations" Second Edition. Landon, Boulder, New York, Toronto, Plymouth, UK: ROWMAN & LITTLEFIELD PUBLICAYION, INC.

16-CROW, BEN; SINGH, NIRVIKAR(2000). "Impediments and Innovation in International Rivers: The Waters of South Asia". *World Development* Vol. 28, No. 11, pp. 1907-1925.

17-Draysdale, Alasdair; Blake, Gerald H. (1985) "The Middle East and North Africa a Political Geography", New York and Oxford: OXFORD UNIVERSITY PRESS.

18- Ganguly, Sumit (2003). "India as an Emerging Power". LONDON • PORTLAND, OR: FRANK CASS PUBLISHERS.

19-HAIDER, ZAGLUL (2001) "Crises of Regional Cooperation in South Asia". Security Dialogue. No: 32. P 423 – 437. DOI: 10.1177/0967010601032004004.

20-Hari Dohal, Shiva, Gazdar, Haris, Keethaponcalan, S.I. and Murth, Padmaja (2003) "International Conflict and Regional Security in South Asia Approaches, Perspectives and Policies" Genva: United Nations Institute for Disarmament Research (UNIDIR).

21-Jain, Subhash C. (1999) "Prospects for a South Asian free trade agreement: problems and challenges" International Business Review 8. Pp399–419.

22-Lal, C.K (2006) "The Complexities of Border Conflicts in South Asia". South Asian Survey. No: 13. P253-263. DOI: 10.1177/097152310601300206.

23-Morgan, Patrick (1997) "Regional Security Complexes and Regional Orders" Regional Orders: Building Security in a New World edited by Patrick M. Morgan and David A Lake, Pennsylvania: The Pennsylvania State University Press.

24-Rubinoff, Arthur.G.(2000)"The Multilateral Implications of Ethno-Nationalist Violence in South Asia", South Asian Survey. 7, p273 – 293.

25-Sahadevan, P (2002). "Ethnic Conflicts and Militarism in South Asia". International Studies. No: 39. 103-138. DOI: 10.1177/002088170203900201.

26- Schofield, Victoria (2003). "Kashmir in Conflict India, Pakistan and the Unending War". LONDON. And New York: I. B. TAURIS.

27-Shmueli, Deborah F. (1999). "Water quality in international river basins". Political Geography, No 18, pp437–476.

28-Srivastava, Leena; Misra, Neha (2007). "Promoting regional energy co-operation in South Asia" Energy Policy. 35. Pp 3360–3368.

29- Thapliyal,Sangeeta(1999).“Potential for Cooperation in South Asia: the Need\ for a Sub-Regional Approach”. South Asian Survey. No:6. p51-61.DOI: 10.1177/097152319900600107.